
جستاری بر تربیت‌بدنی و ورزش زنان در دوره معاصر

دکتر الهام ملک‌زاده

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Malekzadeh_elham@yahoo.com

■ چکیده

تربیت بدنی و ورزش در ایران تا اواخر دوره قاجار، به جز شکل سنتی، گونه‌ای دیگر وجود نداشت، و تنها در مدارس نظام و دسته‌های نظامی، آموزش‌های ورزشی توسط بعضی از افسران خارجی به چشم می‌خورد. تا پیش از این، بازی و ورزش مورد توجه نبود؛ چراکه امری سبک شمرده می‌شد و حتی گاهی اطفالی را که بازی می‌کردند، تنبیه می‌نمودند. در واقع تربیت‌بدنی و ورزش به معنای امروزی از سال ۱۲۹۹ و با تلاش‌های میرمهدی ورزشنده که بانی ورزش‌های نوین ایران محسوب می‌شود، مطرح شد. در چنین شرایطی، تربیت‌بدنی و ورزش برای زنان از اساس فاقد هرگونه معنا و مفهوم بود، و تنها پس از تأسیس سلطنت پهلوی و روی کار آمدن رضاشاه و طرح شعارهای ایجاد ایران مدرن، توجه به تربیت‌بدنی برای زنان اهمیت یافت، و هم‌سو با اجرای سیاست‌های حکومت، نهاد جدید تربیت‌بدنی و البته ورزش زنان، آغاز به کار کرد. مقاله حاضر تلاش می‌کند به وضعیت عمومی زنان در دوران معاصر، نگاهی افکنده و عرصه جدید فعالیت آنان را در قالب فرصت ناشی از سیاست‌های حکومت و ایجاد نهاد تربیت‌بدنی، مرور نماید. روش پژوهش این نوشتار با استفاده از روش تحقیق توصیفی و با تکیه بر مطالعه کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از اسناد آرشیوی خواهد بود.

■ **کلید واژه‌ها:** تربیت‌بدنی، ورزش زنان، تاریخ معاصر، رضاشاه، محمدرضاشاه.

مقدمه

ورزش بانوان پدیده‌ای اجتماعی و جدید بود که از دوره پهلوی اول آغاز گردید. تا پیش از انقلاب مشروطه، زنان، نقشی کمتر در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کردند. در آن سال‌ها، مدارس دخترانه انگشت‌شماری برای آموزش زنان وجود داشت، اما با برقراری حکومت مشروطه، مدارسی از سوی هیئت‌های مذهبی اروپایی و نیز روشنفکران ایرانی دایر گردید که باعث نفوذ افکار روشنفکرانه در قشر زنان شد. در این اوان، جمعیت‌هایی نیز از سوی خود زنان شکل گرفت و به تدریج زمزمه شرکت‌شان در اجتماعاتی که مردان حضور داشتند، زمینه ایجاد تحولاتی برای کشف حجاب در سال‌های بعد گردید. با روی کار آمدن رضاشاه و گرایش وی به تمدن و فرهنگ غرب و در نتیجه سفر او به ترکیه، رفع حجاب اجباری شد، و از پیامدهای این واقعه، ورزش و تربیت جسمانی برای زنان بود. در دوره پهلوی اول تا حدودی فعالیت‌های ورزشی در مدارس برای زنان وجود داشت، اما تربیت بدنی آن‌ها بیشتر در سازمان پیشاهنگی خلاصه می‌شد. در دوره پهلوی دوم، نقش بانوان در عرصه‌های ورزشی به خصوص میادین جهانی و بین‌المللی، پُررنگ تر گردید. اولین رویداد ورزشی مهم زنان، شرکت در بازی‌های آسیایی ۱۹۵۸ توکیو بود. با اعلام اصول انقلاب سفید و تشکیل سپاه دانش، ورزش زنان در روستاها مدنظر قرار گرفت. در این فصل، خلاصه‌ای از چگونگی حضور بانوان در اجتماع و رفع حجاب و وضعیت ورزش آنان مورد بررسی قرار گیرد.

کشف حجاب

قبل از پرداختن به موضوع ورزش بانوان در دوره پهلوی، ابتدا به وضعیت اجتماعی و سیاسی زنان در دوره معاصر به طور اختصار پرداخته می‌شود. قبل از وقوع انقلاب مشروطه، زنان، نقشی محدود و پنهانی در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زمان خود داشتند، اما با ایجاد مدارس نوین و انتشار روزنامه‌ها، به تدریج آگاهی مردم نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی بیشتر شد. در این میان، ارتباط روحانیت با مردم نیز باعث ایجاد جلسات و برگزاری اجتماعاتی شد که زنان نیز در آن شرکت می‌کردند.

برجسته ترین حرکت زنان در پی تحریم تنباکو از سوی میرزا حسن شیرازی در عراق بود که زنان حرم ناصرالدین شاه نیز قلیان‌ها را شکستند، و در پی اخراج میرزای آشتیانی از تهران، همراه با مردان به خیابان‌ها ریختند؛ نیز در ماجرای مهاجرت صغری و کبری که علما به حرم حضرت عبدالعظیم و قم رفتند، زنان وظیفه محافظت از بست نشینان را بر عهده داشتند؛ هم‌چنین در پی بحران‌های مالی کشور که مجلس شورای ملی قصد داشت از یک دولت خارجی وام دریافت کند، زنان با اهدای طلا و جواهرات خود، از گرفتن قرض خارجی جلوگیری کردند. با تمام این اوصاف، وقتی نظامنامه انتخابات نوشته شد، زنان را هم‌ردیف دیوانگان و مجرمین از حق رأی محروم کردند (عمرانی، ۱۳۸۵: ۴۷-۴۴).

آموزش و سوادآموزی برای زنان، رواجی چندان نداشت. تنها محل آموزش، مکتب‌خانه‌ها بود که سهم زنان در آن ناچیز بود. آن‌ها پس از آموزش خواندن و نوشتن در سطح متوسط، خانه‌نشین می‌شدند. تنها دختران خانواده‌های مرفه با سواد می‌توانستند با کمک معلمان سرخانه به تحصیلات خود ادامه دهند. در پی تماس ایرانیان با خارجیان، روش تعلیم و تربیت آنان در ایران پایه‌ریزی شد، و هیئت‌های مذهبی خارجی، نقشی قابل توجه در زمینه‌های فرهنگی و مذهبی ایفا کردند و توانستند مدارس در ایران تأسیس کنند.

نکته قابل توجه مدارس مزبور این بود که تأسیس آن‌ها ابتدا برای اقلیت‌های دینی صورت گرفت، و حجاب دختران مسلمان باعث عدم پذیرش شان در این مدارس می‌شد، تا اینکه با وساطت وزیر مختار آمریکا و موافقت ناصرالدین شاه، ممنوعیت ورود دختران مسلمان در مدارس مذکور رفع، و اولین گروه دختران وارد مدرسه فرانکو پرسیان شدند. علاوه بر هیئت‌های مذهبی خارجی، گروهی دیگر نیز به تأسیس مدارس جدید پرداختند. این‌ها تحصیل کرده‌های ایرانی و به‌خصوص زنان طبقه مرفه و رجال سیاسی بودند که با مخالفت‌هایی شدید روبه‌رو گردیدند، که علت آن پذیرفتن دختران بدون حجاب در این مدارس بود.

مدارس برای دختران با حجاب، کم بود، و البته خود دختران بعد از مدتی تحصیل، مایل به تغییر لباس می‌شدند. در پی تقاضای زنان مبنی بر آموزش عمومی

از نمایندگان دوره سوم مجلس، طرحی به تصویب رسید و با گسترش مدارس دخترانه و مدارس دولتی، تحصیل اجباری اعلام شد (عمرانی، ۱۳۸۵: ۵۱-۴۸).

«بعد از برقراری مشروطیت، کم‌کم صحبت رفع حجاب به میان آمد ... بانوان ایرانی به اروپا مسافرت کردند و فکر آزادی زن و رفع حجاب، توسعه پیدا کرد. مردان روشنفکر که تاثیر آزادی زن را در زندگی اجتماعی در اروپا دیده و شنیده بودند، به زنان در این نهضت کمک می‌کردند. انجمن‌های مختلف زنان برای این موضوع تشکیل شد، که از آن جمله «شرکت خواتین اصفهان» ۱۲۹۷ ش. و «شرکت آزمایش بانوان» تهران ۱۲۹۹ ش. هر دو به رهبری صدیقه دولت‌آبادی ... ، و «انجمن نسوان وطنخواه» تهران ۱۳۰۰ ش. به رهبری محترم اسکندری و ... بود» (راوندی، ۱۳۸۵: ۷۳۴-۷۳۵).

اعضای وابسته به این انجمن‌ها، اقدام به چاپ روزنامه کردند و به نشر افکار و عقاید خود در جامعه پرداختند؛ مثلاً انجمنی به نام «انجمن آزادی زنان»، قبل از جنگ جهانی اول به کوشش تعدادی از زنان و مردان فرنگ رفته، ایجاد شده بود که هدفش عادت‌دادن زنان به معاشرت و حضور در مجالسی بود که مردان شرکت داشتند، و یکی از شرایط آن، ممنوع بودن حضور مردان بدون زن، دختر یا یکی از بستگانش بود (بامداد، ۱۳۴۸: ۷).

«مسئله تغییر پوشش و تفکر بنیادین آن در دوران قاجاریه شکل گرفت. شاهان قاجار مسافرت‌هایی به اروپا داشتند. ناصرالدین‌شاه در سفر فرنگ از فرم پوشش زنان اروپایی خوشش آمد. وی بدش نمی‌آمد که زنان حرمسرایش نیز لباس اروپایی بپوشند. زنان قاجار، بالاپوشی به فرم سنتی خود داشتند، اما به جای شلوار، دامنی کوتاه همراه با جوراب می‌پوشیدند؛ نیمی قجری و نیمی اروپایی، اما هیچ‌یک بدون چارقد (روسری) نبوده‌اند.» (بوذرجمهری، ۱۳۸۸: ۱۱).

پیش از مسافرت‌های شاهان قاجار به فرنگ، کشف حجاب توسط قره‌العین صورت گرفت. زرین‌تاج، دختر ملا صالح برغانی از اهالی قزوین بود که به فرقه باب پیوست، و از سوی سید کاظم رشتی، قره‌العین نامیده شد. وی عمده‌ترین عامل نشر عقاید باب در میان زنان گردید (زاهدانی، ۱۳۸۱: ۳۵-۳۱).

«استقبال قرّة العین از باب این نبود که در وجود باب علم و حکمت وجود داشته باشد، بلکه می‌خواست خود را از قید و بند دین و مذهب آزاد سازد؛ زیرا بایبان تنها حزبی بودند که دارای مرام اشتراکی و پیرو هرج و مرج بودند، و به این جهت با آن‌ها پیوند کرد. قرّة العین دستور داد زنان حجاب از رخ بگیرند، و تأکید کرد که یک زن مجاز است به نه مرد شوهر کند» (افراسیابی، ۱۳۶۸: ۲۴۲-۲۴۱). بدین ترتیب، قرّة العین اولین زنی بود که اساس رفع حجاب را در ایران بنا نهاد.

با روی کار آمدن رضاخان و گرایش وی به فرهنگ و تمدن غربی، تحوّلی در فرهنگ قومی و ملی ایرانیان به‌وجود آمد، که اولین آن، متحدالشکل کردن لباس مردان در سال ۱۳۰۷ ش. بود؛ نیز همگام با سیاست‌های بین‌المللی، وی خواستار برداشتن حجاب زنان شد (عمرانی، ۱۳۸۵: ۶۲).

«در سال ۱۳۰۹ ش. نخستین بار بعضی از بانوان طبقه اول در خانه‌های خود و مجالس مهمانی به لباس زنان اروپایی درآمدند، و عده کمی هم جرأت کرده بدون حجاب در خیابان‌ها ظاهر شدند» (محمد رضا پهلوی، ۲۵۳۵: ۴۶۴).

نخستین کنگره بین‌المللی زن‌ها در ایران به سال ۱۳۱۱ ش. تشکیل گردید، که مباحث آن پیرامون پیشرفت‌های روزافزون زنان اروپایی و محرومیت‌های زنان کشورهای عربی و ایرانی و لزوم اقدامات جدی و جنبش از سوی زن‌های روشنفکر بود (بامداد، ۱۳۴۸: ۶۰).

رضاشاه بعد از بازگشت از سفر ترکیه در سال ۱۳۱۳ ش. علی‌اصغر حکمت (وزیر فرهنگ وقت) را مأمور برنامه‌ریزی برای کشف حجاب نمود که عبارت بود: «۱. اعلام مختلط شدن مدارس تا چهارم ابتدایی ۲. برپایی جشن در حضور مردان در مدارس دخترانه ۳. تأسیس کانون بانوان» (عمرانی، ۱۳۸۵: ۶۵).

در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴ ش. به‌دستور رضاخان و به دعوت علی‌اصغر حکمت، عده‌ای از زنان فرهنگی، در دارالمُعَلِّمات، واقع در کوچه ظهیرالاسلام دعوت شدند و به آن‌ها مأموریت داده شد تا جمعیتی تشکیل دهند. این جمعیت با نام کانون بانوان شکل گرفت. کانون مزبور به ریاست شمس پهلوی و همکاری وزارت فرهنگ آغاز به کار کرد. اهداف این کانون در اساسنامه آن چنین آمده بود:

۱. تربیت فکری و اخلاقی بانوان و تعلیم خانه‌داری و پرورش طفل مطابق قواعد علمی به وسیله خطابه‌ها، نشریات، کلاس‌های اکابر و غیره؛
۲. تشویق به ورزش‌های متناسب برای تربیت جسمانی با رعایت اصول صحیح؛
۳. ایجاد مؤسسات خیریه برای امداد به مادران بی‌بضاعت و اطفال بی‌سرپرست؛
۴. ترغیب به سادگی در زندگی و استعمال امتعه وطنی و ...» (بامداد، ۱۳۴۸: ۸۹-۹۱).

در آن روز از چادر برداشتن سخنی به میان نیامد، ضمن آنکه یکی از اقدامات این کانون، ترک چادر سیاه بود که زنان عضو به برداشتن چادر با راضی کردن خانواده‌های‌شان اقدام می‌کردند: «... مقرر شد که به تدریج مجالس جشن و خطابه تشکیل داده و دختران در آنجا با روی باز در صف دانشجویان قرار گرفته و به ایراد خطابه‌های اخلاقی و سرودهای مخصوص مدارس، هم‌آواز شوند و مانند پسران به ورزش و مشق بدنی مشغول شوند...» (حکمت، ۲۵۳۵: ۸۹-۸۸).

بعد از هشت‌ماه از تأسیس کانون بانوان، طی جشنی در هفدهم دی ماه ۱۳۱۴ ش. در ساختمان دانشسرای پسران، به دستور رضاشاه، تمام معلمان بدون حجاب حاضر شدند و خود رضاشاه به همراه ملکه (تاج‌الملوک) و دخترانش (شمس و اشرف) بدون حجاب در جشن ظاهر شدند، و وزرا و سرلشکرها به همراه بانوان‌شان نیز به همین صورت حضور یافتند، و از این روز، حرکت زن‌ها با چادر در خیابان‌ها ممنوع شد (بامداد، ۱۳۴۸: ۹۶-۹۴).

بعد از واقعه کشف حجاب، رضاشاه اجازه داد که دختران در تمام دانشکده‌ها طبق مقررات به همراه پسران به تحصیل مشغول شوند: «اولین دسته دخترانی که وارد دانشسرای عالی و دانشکده‌های علوم و ادبیات شدند، فقط دوازده نفر بودند» (بامداد، همان: ۹۸).

با آغاز جنگ جهانی دوم و سقوط حکومت رضاشاه، به تدریج فضایی باز در کشور ایجاد گردید، و طبقاتی که بی‌حجابی به آن‌ها تحمیل شده بود، به حجاب روی آوردند. در این میان، جمعیت‌هایی چون حزب زنان، کانون بانوان و جمعیت زنان با انتشار مقالاتی در روزنامه‌ها و مجلات، سعی در حفظ اهداف و مظاهر تجدّد داشتند،

اما با توجه به موقعیت متزلزل حکومت محمد رضاشاه، تنها در پی حفظ موجودیت خود بودند. با استقرار حکومت محمدرضاشاه، بار دیگر آن‌ها به تأسیس انجمن‌هایی پرداختند که مورد حمایت حکومت و سیاسیون بود، و اهدافشان سوق دادن افکار عمومی به سمت فرهنگ غرب بود (عمرانی، همان: ۶۸-۶۹).

ورزش زنان در دوره پهلوی اول

همان‌طور که گفته شد، با توجه به ایجاد جمعیت‌ها و کانون‌های زنان و اهداف شکل‌گیری‌شان در این دوره و نیز اعلام کشف حجاب از سوی رضاشاه، توجه به امر ورزش و تربیت بدنی بانوان شدت گرفت. یکی از مواد اساسنامه کانون بانوان، تشویق بانوان به ورزش‌های متناسب برای تربیت جسمانی بود. بر همین اساس با تأسیس انجمن تربیت بدنی و پیشاهنگی، اقداماتی در جهت ورزش بانوان صورت گرفت. از جمله این اقدامات که از سوی انجمن تربیت بدنی با همکاری وزارت معارف و وزارت داخله انجام یافت، «توجه به تربیت بدنی نسوان و تهیه مقدمات تربیت معلمات ورزش و مؤسسات ورزش دختران، تحت ریاست عالی و حمایت علی‌احضرت شاهدخت پهلوی» بود. در جلسه‌ای که از سوی وزارت معارف در تاریخ ۱۳۱۵ ش. تشکیل گردید، راجع به پیشرفت و تربیت زنان، پیشنهادهایی داده شد که عبارت بود:

۱. تأسیس اکابر نسوان؛
۲. تشکیل اداره تربیت بدنی مستقل برای نسوان توسط اعضای متخصص تا از روی اصول و اساس صحیح، امور پیشاهنگی و ورزش دختران و زنان اداره شود؛
۳. تدوین کتاب ورزش که محتوی عملیات و دستورهای ورزش متناسب با حال و وضعیت نسوان و دختران باشد...» پیشنهاد تأسیس اداره تربیت بدنی مستقل زنان رد شد (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۵، ش ۱: ۱۹-۲۰).

مطابق دستور وزیر معارف و اوقاف به اداره پیشاهنگی و تربیت بدنی، در سال ۱۳۱۵ ش. کلیه امور ورزش آموزشگاه‌های دختران به حوزه تربیت بدنی و به خانم‌هایی که استعداد و لیاقت ورزشی داشتند، واگذار گردید؛ نیز بر این نکته تأکید شد که به هیچ‌وجه دبیران و آموزگاران مرد در این حوزه دخالت نکنند، و برای این

منظور، دبیران و آموزگاران لایق استخدام شوند یا به یک نفر از معلمان آموزشگاه واگذار گردد، یا اینکه معلم هر کلاس، تدریس ورزش همان کلاس را بر عهده گیرد، و اگر اطلاعات کافی در مورد ورزش نداشت، تعلیم ورزش را از یکی از دبیران مرد بیاموزد.

تربیت بدنی در آموزشگاه‌های دختران تا این زمان عبارت بود از بازی و عملیات ساده؛ البته با توجه بیشتر به قسمت‌های بازی و مسابقات امدادی. در دبیرستان‌های دختران، تعلیم بازی‌های والیبال و بسکتبال، و نیز حرکات نظامی به صورت ساده و طبیعی (در موقع دفیله زدن پا از محکم کوبیدن جلوگیری می‌نمودند). دستجات ورزش دبستان‌ها و دبیرستان‌های دختران نیز نمی‌بایستی با دستجات سایر آموزشگاه‌ها مسابقه داشته و کلیه مسابقات می‌بایست منحصرأ بین شاگردان خود آموزشگاه انجام می‌شد (ساکما، شماره بازیابی: ۱۹۱۵۲/۲۹۷).

در پی گسترش و توجه به امر پیشاهنگی در مدارس، این امر در مدارس دخترانه نیز به اجرا درآمد. به همین منظور در جلسه‌ای که در شورای عالی فرهنگ به تاریخ ۱۳۱۷ش. تشکیل گردید، طبق ماده دوم این جلسه، دبستان‌ها و دبیرستان‌های دولتی و غیردولتی دختران در پایتخت، موظف ورود به سازمان پیشاهنگی می‌باشند، ولی اجرای آن در مدارس دخترانه شهرستان‌ها بستگی به دستور وزارت فرهنگ دارد (آموزش و پرورش، ۱۳۱۷: ۷۵).

بدین ترتیب، دختران پیشاهنگ در جشن‌هایی که به مناسبت سوم اسفند (کودتای رضاشاه) و چهارم آبان (تولد ولیعهد) برگزار می‌شد، شرکت می‌کردند و به اجرای رژه می‌پرداختند. با تأسیس دانشسرای عالی در سال ۱۳۱۷ش. انجمن ورزش نیز تشکیل شد که سرپرستی آن بر عهده آقایان صدقیانی و پادگرنی بود. در دانشسرا، زمین‌های بازی والیبال، بسکتبال، تنیس و دیگر ورزش‌ها در اختیار دانشجویان بود که دانشجویان دختر هم از این بازی‌ها استفاده می‌کردند (سالنامه دانشسرا، ۱۳۱۸: ۳۲-۳۱).

ورزش بانوان در دوره محمدرضاشاه

با ورود متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ش. و سقوط رضاشاه، فرزندش محمدرضا

به سلطنت رسید. طی این دوران، فعالیت اجتماعی زنان تا اندازه ای کاهش یافت که پس از چندی دوباره از سر گرفته شد. فعالیت ورزشی زنان که با توجه به تأسیس مدارس، حضور در دانشگاه و رفع ممنوعیت حجاب، گسترشی زیاد یافت و تا حدودی در مدارس و دانشگاه‌ها انجام می‌شد، از جمله آن‌ها بود.

اولین حضور زنان ایرانی در مسابقات برون مرزی در سومین دوره بازی‌های آسیایی توکیو (۱۹۵۸/م ۱۳۳۷ ش.) صورت گرفت. در این مسابقات، چهار دختر ورزشکار در رشته های دو و میدانی و تنیس روی میز شرکت کردند، هرچند که عنوان و مقامی به دست نیاوردند. مهم ترین رویداد ورزشی بانوان، شرکت در المپیک توکیو (۱۹۶۴/م ۱۳۴۳ ش.) بود که ورزشکاران زن ایرانی در رشته‌های دو و میدانی و ژیمناستیک شرکت کردند.

سال ۱۳۳۹ ش. اولین سال شروع مسابقات ورزشی آموزشگاه‌های دختران بود که در سه رشته والیبال، پینگ‌پنگ و دو میدانی تشکیل شد. از سال ۱۳۴۱ ش. برگزاری اردوها و پیشاهنگی مورد توجه قرار گرفت. یکی از وظایف آموزش و پرورش، کمک به ترویج و گسترش ورزش و پیشاهنگی بود (پارسا، ۱۳۵۲: ۹۱-۸۹).

با آغاز انقلاب سفید در ۶ بهمن ۱۳۴۱ ش. دختران در قالب برنامه سپاه دانش به روستاها اعزام شدند، و برنامه های ورزشی هم در میان دختران روستایی مورد استقبال قرار گرفت و تحول و رونق یافت: «... سپاهیان زن به تشکیل انجمن‌ها و باشگاه های ورزش در روستاها اقدام کردند ... آنان به تعلیم ورزش در کلاس‌های بزرگسالان روستاها و به خصوص بانوان روستایی پرداختند ... تأمین وسایل ورزش از طریق کمک مردم روستاها و با استفاده از امکانات محلی و اشاعه تعلیمات پیشاهنگی به منظور تقویت جسم و روح کودکان روستایی در برنامه کار سپاهیان دانش زن قرار گرفت. سپاهیان دانش زن عموماً از بین افراد سالم و کسانی که قادر به خدمات نظامی بودند و به فعالیت‌های بدنی علاقه‌مندی داشته باشند، انتخاب می‌شدند.» (پیرنیا، ۱۳۱۰-۱۳۰).

در تابستان سال ۱۳۴۸ ش. برنامه تربیت بدنی سپاهیان دانش از ۲۴ ساعت به ۷۲ ساعت افزایش یافت، ضمن اینکه دوازده ساعت سرود و موسیقی و ۴۸ ساعت

پیشاهنگی هم در نظر گرفته شد (ساکما، شماره بازیابی: ۲۹۷/۲۳۶۴۲). بعد از ناکامی زنان ایران در بازی‌های آسیایی و المپیک توکیو، اولین مدال زنان ایرانی (مدال برنز) در رشته والیبال پنجمین دوره بازی‌های آسیایی بانوک (۱۹۶۶م/۱۳۴۵ش.) بود، اما بهترین نتیجه کسب شده در بازی‌های آسیایی (۱۹۷۴م/۱۳۵۳ش. تهران) حاصل شد، که تیم شمشیربازی بانوان توانست دو مدال طلا، یک نقره و یک برنز را به دست آورد. علاوه بر آن در رشته‌هایی چون بسکتبال، تنیس، والیبال و تنیس روی میز، عناوین چهارم تا هفتم را به دست آوردند.

نتیجه‌گیری

پیش از به سلطنت رسیدن رضاشاه، زنان در وقایع قبل از مشروطه چون ماجرای تحریم تنباکو و تبعید میرزای آشتیانی، و بعد از مشروطه در حوادثی همچون مهاجرت علما و روحانیون به ری و قم، هم چنین وقایعی مثل استبداد صغیر، تا حدی زیاد نقشی هم‌پای مردان عهده‌دار بودند. یکی از اثرات انقلاب مشروطه ایجاد جمعیت‌های زنان بود، که ابتدا مخفیانه و بعد آشکارا برگزار شد. تا پیش از این آموزش دختران بیشتر مختص اقلیت‌های دینی بود، هر چند که ایجاد مدارس دخترانه از زمان ناصرالدین‌شاه و ورود افکار غرب‌گرایانه با مشکلاتی عدیده و تحمیل آزار زیاد بر بانیان‌شان سابقه داشت. همین اقدامات، تحوّل را در خصوص نقش زنان در اجتماع موجب گردید. از آنجا که شیوه تعلیم و تربیت نوین در ایران، همان روش مرسوم در مراکز آموزشی غربی بود، شرط ورود در بیشتر مدارسی که توسط هیئت‌های مذهبی و طبقه روشنفکر تأسیس می شد، نداشتن حجاب بود؛ امری که تا زمان حکومت رضاشاه، موقعیت بروز و اجرا در جامعه نیافت و کسی هم جرأت طرح و سخن در خصوص این موضوع را نداشت. بعد از تغییر سلطنت و روی کار آمدن رضاشاه، در پی اجرای سیاست‌های حکومتی وی و از جمله اصلاحات فرهنگی با شعار توسعه و پیشرفت ایران، هم‌چنین تحت‌تأثیر اقدامات کشور ترکیه ذیل اصلاحات مصطفی کمال آتاترک، امری منع حجاب به مورد اجرا درآمد، و پس از انجام این فرمان، طبق اجبار حکومتی، زنان توانستند آزادانه در اجتماع حضور یابند

و تربیت جسمانی و بدنی شان مورد توجه قرار گیرد. ورزش، جزئی از برنامه‌ی درسی دختران گردید و اجرای مراسم رژه‌ی پیشاهنگان دختر در جشن‌های ورزشی به مناسبت‌های سوم اسفند (کودتای رضاشاه) و چهارم آبان (تولد ولیعهد)، نمونه‌ای از تأثیرات کشف حجاب بود.

در پی سقوط حکومت رضاشاه و به سلطنت رسیدن پسرش محمدرضا، ورزش بانوان گسترشی بیشتر یافت، و زنان نقشی فعال‌تر در عرصه‌های ورزشی ایفا کردند. شاید مهم‌ترین آن، شرکت در المپیک ۱۹۸۵م. توکیو بود، که گرچه نتیجه‌ای قابل توجه به‌دست نیاورد، اما می‌توان آن را بزرگ‌ترین رویداد ورزشی بانوان ایرانی دانست؛ چراکه بیشترین تعداد زنان ورزشکار ایرانی تا آن روز در کاروان ایران و در این المپیک حضور یافته و فرصت رقابت با هم‌تایان خود از سایر کشورها را به‌دست آوردند.

چنان‌که اشاره شد، به‌دنبال اصلاحات شاه و ملت در قالب برنامه‌های انقلاب سفید و فعالیت‌های پیش‌بینی شده برای ورزش زنان روستایی از طریق حضور و اقدامات سپاهیان دانش، زنان روستایی نیز موقعیت پرداختن به ورزش و توجه به سلامت جسمانی را پیدا کردند.

منابع

- 0 افراسیابی، بهرام (۱۳۶۸). تاریخ جامع بهائیت (نوماسونی). تهران: انتشارات سخن.
- 0 بامداد، بدرالملوک (۱۳۴۸). زن ایرانی (از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید). ج ۲. تهران: انتشارات ابن سینا.
- 0 بوذرجمهری، مهستی و دیگران (۱۳۸۸). کشف حجاب (نشست تخصصی کشف حجاب مجموعه سخنرانی‌ها و ضمیمه). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- 0 پارسا، فرخ‌رو، پیرنیا، عزت‌الملوک (۱۳۵۲). ورزش برای همه. تهران: انتشارات سازمان تربیت‌بدنی ایران، تهران.
- 0 پهلوی، محمدرضا شاه (۲۵۳۵). مأموریت برای وطنم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- 0 حکمت، علی‌اصغر (۲۵۳۵). سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی. تهران: انتشارات وحید.
- 0 راوندی، مرتضی (۲۵۳۶). تاریخ اجتماعی ایران. ج ۳. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- 0 رنجبرعمرانی، حمیرا (۱۳۸۵). سازمان زنان ایران. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- 0 زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۸۱). بهائیت در ایران. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- 0 سالنامه دانشسرای عالی (۱۳۱۸-۱۳۱۷)، تهران، فروردین ۱۳۱۸.
- 0 ساکما، شماره بازیابی: ۲۹۷/۲۳۶۴۲، ۲۹۷/۱۹۱۵۲.
- 0 مجله آموزش و پرورش، آبان ۱۳۱۷، سال هشتم.
- 0 مجله تعلیم و تربیت، فروردین ۱۳۱۵، ش اول، سال ششم.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی